

کتاب اول

من دیگر ما

...

جوجه های رنگی
و بچه های فرنگی

مشکلات پیش روی تربیت در دنیای امروز

فرزند ما از ما جدا نیست؛ او خود ما است
اما در اندازه ای کوچک تر

...



سرشناسه: عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور: جوجه‌های رنگی و بچه‌های فرنگی: مشکلات پیش روی تربیت در دنیای امروز/ نویسنده محسن عباسی ولدی؛ تصویرگر ایمان خاکسار؛ ویراستار سید محمد دلال موسوی.

مشخصات نشر: قم: آیین فطرت - مشخصات ظاهری: ۱۲۴ ص.؛ مصور (رنگی)؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م. فروست: من دیگر ما، فرزند ما از ما جدا نیست او خود ماست اما در اندازه‌ای کوچکتر؛ کتاب اول.

شابک: دوره: ۵- ۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸؛ ج: ۱- ۷-۰۱-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. عنوان دیگر: مشکلات پیش روی تربیت در دنیای امروز.

موضوع: تربیت خانوادگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع: Domestic education -- Religious aspects -- Islam*

موضوع: رفتار والدین

موضوع: والدین و کودک -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع: Parenting

موضوع: Parent and child -- Religious aspects -- Islam

شناسه افزوده: خاکسار، ایمان، تصویرگر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۹/۲۲۲/۴/۲۵۳ BP رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۸۴۴۵۶

• عمر ما (کتاب اول) •

نویسنده: محسن عباسی ولدی

ناشر: آیین فطرت

مدیر هنری و طراح جلد: سید محمد دلال موسوی

تصویرگر: ایمان خاکسار، سولماز جهانگیر

گرافیکست و صفحه‌آرا: سعید صفقارنژاد

ویراستار: سید محمد دلال موسوی

• www.ketabefetrat.com •

با ورود به سایت زیر و خرید اینترنتی یا ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی، کتاب را درب منزل تحویل بگیرید.

• www.ketabefetrat.com •

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰

هماهنگی بخش: ۰۹۱۰۵۸۵۶۳۱۱

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: عمران

نوبت چاپ: سی و دوم / زمستان ۱۴۰۳

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ است.

فهرست منِ دیگرما/ کتاب‌اول

۹ • مقّمه

بخش‌اول

مشکلات را بشناسیم؛ اما پیش از آن، خم نکنیم

- ۲۱ • الف) ناآگاهی تأثیرگذاران تربیتی از مبانی و روش‌های تربیت دینی
- ۲۶ • ب) اعتقاد به آموزه‌های غربی
- ۲۶ • در عرصه تربیت
- ۳۱ • ج) فقدان منابع کافی تربیت دینی
- ۳۳ • د) تربیت رسانه‌ای
- ۳۹ • هـ) افزایش رقبای تربیتی
- ۴۵ • و) اختصاص وقت حداقلی به فرزندان
- ۴۹ • ز) نداشتن حوصله کافی
- ۵۱ • ح) تفاوت شیوه زندگی
- ۵۱ • یک. خانه‌ها
- ۵۲ • دو. مدیریت خانه با رسانه
- ۵۴ • سه. دوری از طبیعت
- ۵۴ • چهار. اشتغال مادران
- ۵۵ • پنج. تنظیم خانواده
- ۵۶ • شش. رقابت‌های اقتصادی
- ۵۷ • نتیجه

بخش دوم پایه‌ها را بشناسیم و تربیت را روی آنها بنا کنیم

- ۶۱ الف) تربیت
- ۶۲ ب) هدف آفرینش
- ۶۶ ج) فطرت
- ۷۳ د) ساز و کار تربیت

بخش سوم فقط چشم‌ها را نباید شُست، کارها هم شُستی هستند

- ۸۵ گزاره‌های تصویری
- ۹۲ ویژگی‌های گزاره‌های تصویری
- ۹۲ یک. عدم پیروی از قصد ما
- ۹۴ دو. اولین گزاره تأثیرگذار
- ۹۶ سه. تفاوت گزاره‌های تصویری
- ۹۶ چهار. شُستی
- ۹۷ چهار. فعال. مبهم ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها
- ۱۰۸ نتیجه
- ۱۰۹ آنچه خواندید
- ۱۱۵ آنچه در کتاب بعدی می‌خوانید
- ۱۱۷ حرف آخر
- ۱۱۹ منابع

• | مقدمه

پیامبر نیکی‌ها، رسول خدا ﷺ فرمود:

فرزند صالح دسته‌گلی از گل‌های بهشت است.^۱

بی‌چه که بودم، مادرم برایم جوجه می‌خرید؛ از همین جوجه‌های رنگی؛ دانه‌ای پنج تومان. اولش فکر نمی‌کردم بزرگ کردنشان، کار چندان سختی باشد؛ اما بعد فهمیدم پرورش جوجه‌ها فوت و فن خودش را دارد. چند جوجه از بین رفتند تا توانستم جوجه‌داری را یاد بگیرم. پیرزن‌ها و پیرمردهای محله‌مان، از دستم عاصی بودند، از بس که به سراغشان می‌رفتم و از تجربه‌هایشان می‌پرسیدم. یک بار که دوستم گفت کتابی در باره جوجه‌ها در یک کتاب‌فروشی دیده، سر از پا نشناختم. به سراغ کتاب‌فروش رفتم. کتاب، گران بود؛ اما قیمتش برایم مهم نبود. من، دغدغه بزرگ کردن جوجه‌هایم را داشتم.

من باید فقط، راه پرورش جسم جوجه‌ها را یاد می‌گرفتم. جوجه‌های من، عاشق نمی‌شدند. با رفیق ناباب نمی‌گشتند. آنها

۱. «إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ» (الکافی، ج ۶، ص ۳).

علاقه‌ای به بازی کامپیوتری نداشتند. با دود و دَم، غریبه بودند و اعتیاد در کمینشان نبود. جوجه‌های طلایی من، افسرده نمی‌شدند و من، غصه بی‌خدایی آنها را نمی‌خوردم. آنها همه پرورشگاهی بودند. در دستگاه به دنیا آمده بودند و هیچ کدام، پدر و مادرشان را نمی‌شناختند تا بخواهند به والدینشان بی‌احترامی کنند. ادب در میان این جوجه‌ها، معنایی نداشت. نمی‌توانستند حرف بزنند تا چه برسد به حرف زشت. آنها فقط یک کلمه بلد بودند: «جیک جیک». گرسنه که می‌شدند، جیک جیک می‌کردند، یعنی ما دانه می‌خواهیم. آب و دانه که بهشان می‌دادم، باز هم جیک جیک می‌کردند. یعنی ممنون. جوجه‌های من، وقتی بزرگ می‌شدند، فکر مدل دادن نمی‌ان‌خزانی به پَر و بالشان نبودند؛ زیرا آنها تلویزیون تماشا نمی‌کردند که این بازیکن فوتبال و آن بازیگر سینما را الگوی خویش قرار بدهند. جوجه‌های من، تلفن همراه هم نداشتند تا پیامک بازی کنند و با دوستانشان برای فیلد مهمانی، قرار بگذارند. جوجه‌ها، چَت کردن، بلد نبودند. نشانی ایمیل هم نداشتند که کسی برایشان عکس و قصه بفرستد. نشانی فیس بوک هم نداشتند و در هیچ یک از شبکه‌های اجتماعی، عضو نبودند. آنها یک نشانی بیشتر نداشتند: «زیرزمین خانه ما، جعبه چوبی میوه که گوشه‌اش یک کاسه ملامین لب شکسته آب گذاشته بودم».

من، تنها نگران پرورش جسم جوجه‌هایم بودم و همین نگرانی، مرا و می‌داشت که به دنبال راه صحیح پرورش آنها باشم.

حالا که بزرگ شده‌ام، بچه‌هایی دارم که باید هم جسم و هم روحشان را پرورش دهم؛ اما یک سؤال: دغدغه من برای پیدا کردن راه

تربیت فرزندانم، آیا به اندازه نگرانی ام برای پرورش جوجه هایم هست؟

...

نمی دانم چه کنم؟ مانده ام با این کاسه چه کنم که همیشه پُر از پرسش است و خالی از پاسخ.

لج باز است. انگار که از لج بازی لذت می برد.

هنوز در چیدن جمله ها مشکل دارد؛ اما یکی از جمله هایی که خوب ادا می کند، این است: «حوصله ام سر رفته».

پای تلویزیون که می نشیند، زلزله هم بیاید، تکان نمی خورد. از تنهایی می ترسد و همیشه به من چسبیده؛ مثل این که یکی از اعضای بدنم شده.

با هیچ کدام از جوجه های فامیل، سر سازش ندارد. اگر روزی چند بار با خواهرش بخوابد، روزش شب نمی شود. غذا نمی خورد. به قدری حرص غذا خوردنش را می خورم که دیگر میل به غذا ندارم.

نه حرف گوش می کند و نه احترامم را نگه می دارد. هر قدر نصیحتش می کنم، انگار که کمتر اثر می کند. به نمازش که بی اعتنائی می کند، گوشت تنم آب می شود.

چند روز پیش در کوچه، پشت سرش بودم. خودش خبر نداشت. با دوستش که حرف می زد، به قدری حرف های ناجور زد که دلم گرفت و همان جا نشستم و یک دل سیر، گریه کردم.

دیروز، فیلم ها و پیامک هایی را در تلفن همراهش دیدم که دوست داشتم زمین، دهان باز کند و مرا ببلعد.

...

اینها مشکلات فرزندان ما در سنین مختلف است که دغدغه بسیاری از پدران و مادرانی است که نگران تربیت فرزند خویش

بوده، به دنبال راهکاری برای تربیت صحیح می‌گردند.

تربیت فرزند در جامعه امروز، یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های پدران و مادران است. وجود رقیبان فراوان در مسیر تربیت فرزند، حساسیت مسئله را چند برابر کرده است.

بسیاری از والدین در جامعه ما با عطش فراوان به دنبال راهی برای تربیت صحیح فرزند هستند که باید به این عطش و انگیزه، احترام گذاشت.

مجموعه‌ای که در حال حاضر، کتاب اولش در دستان شماست، «من دیگرم» نام دارد که بنا دارد به این دغدغه‌ها در مسئله تربیت فرزند پاسخ بدهد.

شاید اسم این کتاب، کمی سخت به نظر برسد: «من دیگرم!»، اما با دقت در عبارتی که توضیح این نام آمده، شاید معنای دقیق آن، معلوم شود. ما در عبارتی که در این کتاب‌های این مجموعه نوشته‌ایم، آورده‌ایم: «فرزند ما، از ما جدا نیست. او خود ماست؛ اما در اندازه‌ای کوچک‌تر».

وقتی نام این کتاب را انتخاب می‌کردم، در این اندیشه بودم که به مخاطبم بگویم: فرزند را تافته جدا بافته‌ای از خویش ندانید. تا وقتی که فرزند در نگاه شما، موجودی جدا از شما تعریف می‌شود، انگیزه کافی برای تربیت او نخواهید داشت؛ اما وقتی که فرزند را خودتان دانستید (دقت کنید: خودتان، نه از خودتان)، وقت گذاشتن برای او را وقت گذاشتن برای خویش می‌دانید، رشد او را رشد خودتان و پس رفت او را عقب ماندن خودتان حساب می‌کنید. بگذارید کمی صریح‌تر حرف بزنم. این کاش‌ها به گوش همه ما

آشناست: «کاش به دوران کودکی مان برمی‌گشتیم! کاش جوانی باز می‌گشت!» و کاش‌هایی از این دست. ما معتقدیم خدا با نعمت فرزند، فرصت برگشتن به گذشته را به ما داده است؛ البته اگر باور کنیم که: «فرزند ما، از ما جدا نیست. او خود ماست؛ اما در اندازه‌ای کوچک‌تر».

حالا یک بار دیگر از این زاویه به فرزندان نگاه کنید و این سؤال‌ها را از خود پرسید: «اگر خداوند به شما فرصت بازگشت به گذشته را می‌داد، چه حسی داشتید؟ چه تصمیمی می‌گرفتید؟ چگونه از عمر خود، استفاده می‌کردید؟».

خدا با بخشش نعمت فرزند، این فرصت دوباره را به شما داده است. پس هر پاسخی را که به این پرسش‌ها می‌دهید، در تربیت فرزند خود به کار بگیرید.

شاید کسی بگوید: «من دیگر ما بودن فرزند، یا جمله‌ای ذوقی که از ذهن تو تراوش کرده، ثابت نمی‌شود». راست می‌گویید، این ادّعای بزرگی است و جمله من، توان اثبات آن را ندارد.

راستش را بخواهید، من پیش از نوشتن **من دیگر ما**، نامه‌سی و یکم نهج البلاغه را خوانده بودم؛ نامه‌ای که امیر خوبی‌ها، علی علیه السلام به فرزند دل‌بندش امام مجتبی علیه السلام نوشته است؛ اما عبارتی که الآن می‌خواهم برایتان از این نامه بیاورم، در ذهنم نبود. وقتی که در حین تحقیق برای نگارش کتاب دوم **من دیگر ما**، نامه‌سی و یکم را دوباره خواندم و به این جمله برخوردم، گویا که تا به حال این جمله را نه دیده بودم و نه شنیده بودم! در این جا این جمله را به همراه ترجمه آن می‌آورم و می‌دانم نیازمند به هیچ توضیحی نیست:

وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي حَتَّى كَأَنَّ شَيْئاً لَوْ أَصَابَكَ
أَصَابَنِي وَكَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي
مِنْ أَمْرِ نَفْسِي.

[پسرکم!] تو را جزئی از خود، بلکه همه وجود خود دیدم تا به
آن جایی که اگر چیزی به تو ضرر برساند، مثل آن است که
به من زیان رسانده است و گویی اگر مرگ به سراغ تو بیاید،
به سراغ من آمده. بنا براین، همان اهمتامی را که در اصلاح
امور خود می‌نمایم، در باره تو دارم.

حالا که گره از نام این کتاب باز شد، پیش از مطالعه آن، خوب
است به چند نکته، توجه کنید:

۱. مخاطب این مجموعه، عموم پدران و مادران هستند. ما
تلاش کردیم در این نوشتار، بدون این که به سطح علمی مباحث،
لطمه‌ای وارد شود، با پرهیز از اعمارت پردازی‌های علمی، مطالب را
به گونه‌ای بنویسیم که همه پدران و مادران در هر سطحی از دانش
که باشند، بتوانند از آن استفاده کنند.

۲. ممکن است برخی از آنچه ما نوشته‌ایم، با مطالب کتب
تربیتی موجود در بازار، سازگار نباشد. آنچه دغدغه این نوشتار است،
سازگار بودن با مبانی تربیت دینی است که از آیات نورانی قرآن کریم
و روایات پُرفروغ اهل بیت علیهم‌السلام گرفته شده است، نه همسو شدن با
کتبی که بر مبنای روان‌شناسی مادی‌گرایانه نوشته شده‌اند.

۳. ما معتقدیم بدون توجه به نکات بخش اول، قسمت فراوانی
از مطالب این نوشتار، قابل قبول نخواهد بود. آن دسته از مطالبی
هم که مورد قبول قرار می‌گیرد، برای این که به کار گرفته شود،

نیازمند انگیزه است. توجّه به مطالب این بخش، می‌تواند انگیزه شما را برای عمل به آنچه در این کتاب خواهید خواند، بیشتر کند. ۴. این نوشتار، بر معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام اتکا داشته است؛ اما ادّعا نمی‌کنیم آنچه نوشته‌ایم، عین معارف دینی است. نقص‌هایی که در این نوشتار دیده می‌شود، نسبتی با دین ندارد و ناشی از فهم اشتباه نویسندۀ آن است.

۵. امروزه، دو رویکرد اصلی به بحث تربیت وجود دارد. رویکرد اوّل، محور اصلی مباحث را به پاسخ‌گویی به مشکلات روزمره تربیتی اختصاص می‌دهد. مدّپریت مباحث در این رویکرد، به دست سؤالاتی است که مردم در باره مسائل تربیتی می‌پرسند.

رویکرد دوم، مباحث تربیتی را به صورت قاعده‌مند، مطرح می‌کند. این رویکرد، معتقد است: اگر والدین، قواعد تربیت فرزند را یاد بگیرند، بسیاری از مشکلات تربیتی که سبب روزمره والدین است، پیش نمی‌آید و بسیاری از مسائل به وجود آمدن مردم با استفاده از همین قواعد، حل خواهند شد.

درست است که استقبال مردم از کتاب‌هایی که با رویکرد اوّل نوشته می‌شود، فراوان است؛ اما این مسئله، نباید ما را از نیاز اصلی جامعه غافل کند. مردم باید با قواعد تربیتی از نگاه دین، آشنا شوند.

برخی معتقدند که دلیل استقبال مردم از کتاب‌هایی که با رویکرد اوّل نوشته می‌شود، کاربردی بودن این کتاب‌هاست؛ ولی ما معتقدیم کتاب‌هایی که با رویکرد دوم نوشته می‌شود، بسیار کاربردی‌تر از کتاب‌های نوع اوّل است؛ چرا که کتاب‌های نوع دوم،

ماهی‌گیری را یاد می‌دهند و کتاب‌هایی از دسته رویکرد اول، ماهی را به دست مخاطب می‌دهند.

البته ما در این جا نمی‌خواهیم کتاب‌های دسته اول را زیر سؤال ببریم. وجود این کتاب‌ها در بازار کتاب، لازم است؛ اما نباید در این نوع کتاب‌ها متوقف شویم.

مجموعه من دیگرمما، رویکرد سومی را در پیش گرفته است؛ رویکردی که آموزش قواعد تربیت را اصل می‌داند؛ اما با ذکر مثال‌ها و داستان‌واره‌های متعدّد، تلاش می‌کند شیوه اجرای این قواعد را در مسائل تربیتی روزمره، آموزش دهد.

داستان‌واره‌های این مجموعه را جدی بگیرید. اینها پُل عبور ماست از وضعیتی که در آن قرار داریم به نقطه‌ای که باید به آن برسیم. بسیاری از این داستان‌واره‌ها، امروزان را به تصویر می‌کشد که اگر آن را به قواعدی که در این مجموعه آمده و می‌آید، ضمیمه کنیم، فردایی روشن را تجربه خواهیم کرد.

۶. این کتاب تا به امروز ۲۲ بار چاپ شده است. با توجه به استقبال مخاطبان از این کتاب، شایسته بود مطالب کتاب، بازنگری و ویرایش مجدّد شود. در ضمن تصاویری هم به کتاب افزوده شده که به رساتر شدن مطالب کتاب کمک می‌کند. علاوه بر این به ضمیمه هر کدام از کتاب‌های این مجموعه، کتاب دیگری نوشته شده که در آن، همین مطالب با رویکردی ادبی آمده است. ضمیمه ادبی کتاب اول «دشمنان بچه‌خوار، دایه‌های مهربان تراز مادر» نام دارد. توصیه می‌کنیم پس از مطالعه هر کتاب از این مجموعه، حتماً ضمیمه ادبی آن را هم مطالعه کنید.

در این جا از همه کسانی که بنده را در تهیه این کتاب یاری کردند، تشکر می‌نمایم و امیدوارم که آنچه در این نوشتار آمده، پاسخ‌گوی دغدغه‌های مقدس تربیتی شما باشد.

درخواست ما از شما آن است که با طرح هرگونه نظر و پیشنهاد، ما را در ادامه این مجموعه، یاری کنید و با راه‌های ارتباطی که در پایان این مقدمه آمده است، «من دیگر ما» را بنوازید.

شماره سامانه پیامکی ما (۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰) را به خاطر داشته باشید و ما را از پیشنهادها، انتقادات و تجربیات خود، مطلع سازید. اگر می‌خواهید در جریان انتشار کتاب‌های دیگر ما باشید، عدد یک را به همین سامانه پیامکی کنید.

امید است این تلاش اندک، کمی مفید در مسیر تربیت دینی فرزندانمان باشد.

ف. ا. ی. یانوی کرامت

مهرماه ۱۳۹۵

محسن عباسی‌وندی